

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی (۲۳)، زمستان ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۱۵

صص ۴۰ - ۱۹°

مقایسه ویژگی‌های اجتماعی - تربیتی فرزندان مادران شاغل و غیر شاغل در مقطع راهنمایی (شهر اصفهان).

فریدون وحید^{۱*}، اسماعیل جهانبخش^۲، مریم نصوحیان^۳

چکیده

خانواده، اساسی ترین نهاد اجتماعی است که در طول تاریخ بشری بر اثر عوامل گوناگون دستخوش تغییر شده است که یکی از این عوامل اشتغال زنان و تاثیر آن در تربیت فرزندان می‌باشد. تحقیق حاضر به بررسی و مقایسه ویژگی‌های اجتماعی و تربیتی فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران خانه دار می‌پردازد. این تحقیق در سطح شهر اصفهان در بین دانش آموزان دختر و پسر مقطع اول، دوم و سوم راهنمایی (نواحی ۵ گانه شهر اصفهان) صورت گرفته است. روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی است و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه

F.Vahida@yahoo.com

۱- استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان (نویسنده مسئول)

۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

است که شامل سوالات بسته و باز است. جامعه آماری این پژوهش ۶۱۵۰۰ نفر است که شامل کلیه دانش آموزان دختر و پسر در پایه اول، دوم و سوم راهنمایی در گروه‌های سنی ۱۲ تا ۱۵ سال در نواحی ۵ گانه شهر اصفهان است. حجم نمونه پژوهش حاضر ۳۱۹ نفر می‌باشد. پرسشنامه‌ها به طور مساوی بین فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران خانه دار توزیع گردید. متغیرهای مستقل شامل: اجتماعی شدن، توانایی یادگیری، پیشرفت تحصیلی، بهداشت روانی، مستقل شدن فرزندان و مهارت‌های اجتماعی است. قابل ذکر است که تعداد حجم نمونه از طریق فرمول کوکران انتخاب شده است همچنین آزمونهای بکار رفته در این تحقیق عبارت است از ۱- آزمون t -۲- آزمون F و نتایج بدست آمده از اطلاعات پیمایشی و تجربی نشان می‌دهد که ویژگیهای اجتماعی و تربیتی فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران خانه دار تحت تأثیر عواملی چون مستقل شدن، اجتماعی شدن، مهارت‌های اجتماعی، توانایی یادگیری، پیشرفت تحصیلی و بهداشت روانی بوده است.

واژه‌های کلیدی: نوجوانی، تربیت، مادر شاغل، مادر خانه دار، کار خانگی.

مقدمه:

بر اساس نظر بسیاری از صاحب‌نظران، خانواده به عنوان اولین نهاد در انتقال فرهنگ، اندیشه، سنت‌ها و عواطف از نسلی به نسل دیگر تأثیر گذار است. در میان اعضای خانواده، بیشترین سهم تأثیرگذاری بر فرزندان از سوی مادران است، زیرا که سالهای اولیه کودکی نقش بسزایی در رشد شخصیت و آینده آنان دارد. اما با این حال با نگاهی به دنیای امروزی به این مهم دست پیدا می‌کنیم که همه روزه بر تعداد مادرانی که به کار در خارج از خانه روی می‌آورند افزوده می‌شود که اگرچه آنان تلاش می‌کنند تا هر چه بیشتر میان شغل خود و پرورش کودکانشان تعادل را رعایت نمایند. اما به دلایلی چون عدم شناخت از نوع تربیت فرزندان، عدم وجود استانداردهای لازم در محیط کاری که به نوبه خود می‌تواند نقش بسزایی در تمرکز مادر نسبت به تربیت فرزندان داشته باشد و عواملی از این قبیل باز شاهد از میان رفتن تعادل در تربیت شخصیت و سلامت روانی و جسمانی فرزندان از جانب خانواده‌ها هستیم. بنابراین از خانه و خانواده است که می‌توان پیرامون محور روانی فرزندان نخستین الگوهای شخصیت را ترسیم

کرد، چرا که ساختن انسان در دوران کودکی بسیار آسانتر از زمان بزرگسالی است. خانواده به عنوان یک محیط طبیعی که تربیت فرزند را بر عهده دارد، رشد جسمانی، عاطفی و اجتماعی فرزند و به همین دلیل شکل‌گیری شخصیت فرزند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. والدین به عنوان الگوهای اصلی زندگی فرزند این قدرت را دارند که احساسات، ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی و حتی منطق قضاوتی خود را به فرزندشان منتقل کنند. وقتی محیط سالم و سرشار از عاطفه باشد وجدان کودک نیز رشد مطلوب خود را آغاز می‌کند و به دنبال آن احساس امنیت در او شکل می‌گیرد. بنابراین باید به خانواده به عنوان اولین مدرسه کودک اهمیت فوق‌العاده - ای داد و محیطی فراهم آورد تا خانواده‌ها با دقت و صبر خود بتوانند در تربیت کودکانشان بکوشند در غیر اینصورت عوارض غیرقابل جبرانی در شخصیت کودکان بوجود خواهد آمد. خانواده‌ها نباید با ساده‌اندیشی و وظیفه‌تربیت کودکانشان را به عهده سازمان‌های تربیتی محول کنند چرا که این دوران پیش‌زمینه‌ای برای دوران نوجوانی و جوانی فرزندان است.

بنابراین با توجه به این که سلامت جامعه در گرو سلامت خانواده است و سلامت خانواده مستلزم تربیت درست فرزندان در خانواده است پدر و مادر در این میان نقش مهمی را در تحکیم خانواده و در نهایت تحکیم جامعه بر عهده دارند، و اما موضوعی که باید به آن توجه ویژه‌ای داشت نقش محوری مادران در خانواده‌ها است که بیشتر از نقش پدر لمس می‌شود. پس در این میان اگر چه موضوع اشتغال زنان در جایگاه خود قابل تأمل است اما رشد شخصیت و فرهنگ کودکان که آینده‌سازان فردا هستند بالطبع مهم‌تر است.

به طور کلی موضوعاتی که مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد از جهاتی حائز اهمیت هستند. تحقیق حاضر نیز از جهاتی دارای اهمیت و ضرورت بوده که عبارت است از:

۱- راه یافتن زنان از محیط خانواده به اجتماع و یا همان اشتغال زنان (مادران) در خارج از منزل و این که همه روزه بر تعداد زنان شاغل افزوده می‌شود.

۲- پدر و مادر مخصوصاً مادر الگوی بسیار مهمی برای فرزندان هستند و سلامت روانی و اجتماعی فرد و فردای فرزند خود را تأمین می‌کنند و آنان را در مسیر موفقیت می‌اندازند و راهنمای آنان در کارها هستند.

۳- همان طور که می‌دانید درصد زیادی از جمعیت کشور ما را جوانان و نوجوانان تشکیل

داده اند و از آن جایی که فردای این سرزمین را همین جوانان و نوجوانان می‌سازند و به قول معروف آینده سازان فردا هستند در نتیجه خانواده‌ها و بالاخص مادران باید در تربیت فرزندان‌شان کوشا باشند.

۴- دوران نوجوانی بحرانی ترین دوره زندگی هر فرد به شمار می‌رود زیرا در این دوره است که شخصیت هر فرد شکل می‌گیرد. با توجه به حساسیت این دوره از زندگی لازم دانستیم تحقیقی در مورد فرزندان مادران شاغل و خانه دار ارائه دهیم و پیامدها و اثرات آن را بررسی نماییم.

هدف کلی تحقیق

مقایسه ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران غیر شاغل در مقطع اول، دوم و سوم راهنمایی (نواحی پنجگانه) در سطح شهر اصفهان.

اهداف جزئی تحقیق شامل:

- شناسایی و بررسی ارتباط میان شخصیت فرزندان مادران شاغل با فرزندان مادران غیر شاغل.

- شناسایی و بررسی میزان اجتماعی شدن، خودکفائی و مستقل شدن فرزندان مادران شاغل با فرزندان مادران غیر شاغل.

- شناسایی و بررسی میزان مهارت‌های اجتماعی و توانایی یادگیری فرزندان مادران شاغل با فرزندان مادران غیر شاغل.

- شناسایی و بررسی میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان مادران شاغل با فرزندان مادران غیر شاغل.

- شناسایی و بررسی میزان بهداشت روانی فرزندان مادران شاغل با فرزندان مادران غیر شاغل.

فرضیه‌ها:

- بین اجتماعی شدن (جامعه پذیری) فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران غیر شاغل

تفاوت معنا داری وجود دارد.

- بین توانایی یادگیری فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران غیر شاغل تفاوت معناداری وجود دارد.

- بین پیشرفت تحصیلی فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران غیر شاغل تفاوت معناداری وجود دارد.

- بین بهداشت روانی فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران غیر شاغل تفاوت معناداری وجود دارد.

- بین مستقل شدن و خود کفائی فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران غیر شاغل تفاوت معناداری وجود دارد.

- بین مهارت‌های اجتماعی و توانایی یادگیری فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران غیر شاغل تفاوت معناداری وجود دارد.

مفهوم تربیت:

منظور از تربیت، پروراندن، بار آوردن، به ترقی و کمال رسانیدن و بالا بردن و برتری دادن است. وقتی فردی صفات و خصایص اخلاقی و معنوی که ویژه انسان است را یاد می‌گیرد و تحت تأثیر فضایل اخلاقی به انجام اموری دست می‌زند می‌گوییم آن فرد تربیت یافته است. پس تربیت به معنی وسیع کلمه عبارت است از، هر عمل یا فعالیتی که واجد اثر سازنده بر جسم، روح، شخصیت و شایستگی مادی و معنوی فرد باشد. تربیت فرزندان مسئولیتی است بسیار خطیر و از وظایف هر پدر و مادری است.

تربیت موجب کسب استقلال و آزادی بشر می‌شود. همچنین تربیت از ضروری‌ترین نیازهای بشر است.

تربیت رکن اساسی در صعود و سقوط انسان‌هاست و هم چنین تربیت در هر دوره‌ای از زندگی دارای ویژگی‌های مخصوص به خودش است که والدین باید حتماً به ویژگی‌های هر دوره واقف باشند تا بتوانند فرزندان خود را به بهترین نحو تربیت کنند و نیازهای آنها را نیز مرتفع کنند (امیر حسینی، ۱۳۸۲: ۴۵-۴۲).

اساس عالم بر تربیت انسان است. انسان عصاره همه موجودات و فشرده تمام عالم است. انبیا آمده اند برای این که این عصاره با لقوه را بالفعل کنند. تا انسان یک موجود الهی بشود. این موجود الهی تمام صفات حق تعالی در اوست و جلوه گاه نور مقدس حق تعالی است. تربیت را می توان یکی از امور مهم و از ضروری ترین نیازهای بشر دانست. ارزش وجودی انسان، حیات شرافتمندانه او و جامعه، خیر و سعادت بشریت در گرو تربیت است و به ارزش و اهمیت آن زمانی می توان آگاه شد که با گروهی فاقد آداب و تربیت مواجه شویم. به طور صریح می توان بیان کرد که مفهوم عقب ماندگی و پیشرفت را از هر دیدگاهی که بنگریم حاصل و دستمایه تربیت است. قوم و گروهی پیشرفته است که تربیت آن پیشرفته باشد و قومی عقب مانده است که تربیت آن عقب مانده است.

هدف از تربیت، سازندگی و آفرینندگی مداوم و تلاش برای تعدیل و تعادل بین نیازها و تمایلات است. از دیگر اهداف تربیت این است که فرد را کمک می کند و زمینه رشد و شکوفایی او را از هر سو فراهم می کند تا به نقطه نظر اصلی دست یابد (قائمی، ۱۳۶۸: ۳۴).

اهمیت و ارزش کار زنان در بیرون و داخل منزل

کار و زحمت در زندگی هر انسان، جوهره خود سازی اخلاقی و سلامت جسمانی است و می تواند در شرایطی پرورش دهنده شخصیت سالم نیز باشد. چرا که بر اساس تأکیدات مکرر متون اخلاقی و تربیتی «بیکاری» سرچشمه هر انحرافی خواهد بود و در این میان زنان نیز بعنوان نیمی از افراد تشکیل دهنده هر جامعه ای، از این کلیت خارج نیستند. پس کار به معنای واقعی خود، بنا به ظرفیت هر انسانی چه زن و چه مرد می تواند بسیار مفید باشد اما در بررسی نحوه کار کردن زنان، بخصوص در خارج از محیط خانه به عنوان شغلی خاص در کنار همه وظایفی که به واسطه خلقتی متفاوت با مرد در اختیار اوست، باید به نکات ظریفی توجه نمود تا غلبه بر دیگری، آسیبی بر وظایف مهمتر وارد نسازد. وظیفه اصلی که بنا بر خلقت الهی بر عهده زنان قرار دارد، مادر بودن و تربیت فرزند برای تداوم حیات انسانی است که به شهادت تاریخ هیچ زنی در کنار همه وظایف احتمالی که می تواند داشته باشد از این احساس و از این وظیفه به دور نبوده است.

در نتیجه وارد شدن زن در عالم خدمات اجتماعی امری تحریم شده نیست. کار زنان حرام نیست و حتی در مواردی شاید در حد واجب کفائی باشد. در دنیای اسلام ما برای برخی از خدمات نیاز به کار زنان داریم. مثلاً: برای تربیت دختران نیاز به معلم زن است، برای درمان زنان و بانوان نیاز به پزشک زن است، برای کارهای پرستاری نیاز به خدمت زن می‌باشد. از طرفی نمی‌توان شایستگی‌های بانوان را در پذیرش بعضی مسئولیت‌ها در عرصه اجتماع نظیر عرصه‌های علمی، فرهنگی، تربیتی و بهداشتی، درمانی نادیده گرفت. به عبارت دیگر در بعضی از این عرصه‌ها به وجود زنان نیاز اکید وجود دارد. به این ترتیب باید میان شایستگی‌ها و ضرورت‌های حضور اجتماعی زنان از یک سو و باورهای غلط که بانوان را ضرورتاً به داشتن یک شغل در داخل منزل ملزم می‌کند تفاوت قائل شد. (زندى، ۱۳۷۷: ۱۰)

ولی مسأله این است که این کار نباید به بهای همه چیز تمام شود. کاری باید برای زنان تهیه شود که در آن:

- ۱- از عهده مردان در جامعه بر نیاید.
 - ۲- کاری تقریباً نیمه وقت باشد و همه اوقات رسمی و اداری زن را اشغال نکند.
 - ۳- حقوق و منافع همسر و کودکان در سایه این کار ضایع نگردد.
 - ۴- شغل و کار زن او را از وظیفه اصلی که مدیریت کانون خانواده است دور نکند.
- (قائمی، ۱۳۷۱: ۱۸۸).

خانه داری در لغت به معنای تدبیر منزل، مواظبت زن در کارهای خانه است. از نظر لغوی، زنی که امور خانه را با نظم و اقتصاد اداره می‌کند، خانه دار نامیده می‌شود. در نظام آفرینش همه در کارند و مشغول انجام وظیفه‌ای که خداوند متعال بر عهده آنها گذارده می‌باشند و همه موجودات دنبال هدفهای تکاملی از قبل تعیین شده در حال حرکت و تلاشند و چون انسان نیز از این نظام هماهنگ و هدفدار جدا نیست پس او هم باید برای رسیدن به رشد و تکامل قدم بردارد. (دشتی، ۱۳۶۴: ۷۲)

مادران شغلی دارند به نام خانه داری و مسئولیتی دارند نسبت به رشد و تکامل فرزندان در خانواده، البته کار مادران ساده و آسان نیست و حتی قابل مقایسه با هیچ شغلی و پستی نمی‌باشد.

خانه داری، مجموعه ای از مشاغل مختلف می باشد. زن خانه دار در عین حال، معلم، حسابدار، پرستار، آشپز، خیاط، مدیر و... باشد.

مادر معلم است. چون آینده، تکامل و اصالت فرزندان، همه و همه به مادر و نوع تربیت او مربوط می شود مادر باید انسان ساز باشد و همچنین او وظیفه هدایت تحصیلی فرزندان را در خانه در حد توان بر عهده دارد.

مادر حسابدار است چون خرج و دخل خانواده را عهده دار است و باید توازن اقتصادی را حفظ کند. مادر پرستار است چون در خوشیها و ناخوشیهاست که چراغ خانه را می افروزد. مادر آشپز و مدیر است چون تهیه و پخت غذا و تأمین سلامتی اعضای خانواده را عهده دار است. و تلاش جهت تأمین تغذیه و بهداشت خانواده در حد توان خود انجام می دهد. تا از این طریق به اقتصاد خانواده کمک کند.

حال تصور کنید مادری را که علاوه بر مسئولیت خانه داری و تربیت فرزندان در خارج از خانه نیز شاغل باشد اضطراب و خستگی در این مادران بیشتر دیده می شود. در نتیجه در جوامع امروز هیچ مادری نباید میان زندگی مستقل اقتصادی و وظایفش در امور خانه یکی را انتخاب کند بلکه جامعه ای موفق است که در آن زن بتواند نه تنها میل و لذت فرزند پروری و خانه داری را تجربه کند بلکه در کنار آن استقلال کاری و رشد وجودی خویش را محفوظ نماید (اقتباس از توکلی، ۱۳۸۲:۳).

جامعه انسانی، متشکل از زنان و مردانی است که در روابط متقابل اجتماعی قرار گرفته اند و هریک از دو جنس، در عین وابستگی متقابل با یکدیگر، نقش و کارکرد ویژه ای دارند. بی تردید زنان در مقام نیمی از جمعیت، تأثیر مستقیمی بر پیشرفت توسعه جامعه دارند و راهکارهای یک جامعه توسعه یافته باید حتماً بر مبنای مشارکت هر چه فعالتر بانوان در امور اقتصادی و سیاسی و اجتماعی باشد.

مهم ترین مسئله ای که در اشتغال زنان باید مورد توجه قرار گیرد، وجود نقش های متعددی است که زنان باید در مقام همسر و مادر به عهده گیرند (مسعودیان، ۱۳۸۶: ۱۸).

کار کردن و اشتغال به مشاغل بیرون از خانه می تواند تماس های اجتماعی، تبادل اطلاعات را ایجاد کند و به نقطه نظرهای گوناگون و متفاوتی منجر شود. همچنین کار به عنوان ابزاری

- جهت همدردی و همدلی است. فعالیت فرد در محل کار پیوسته مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و همین مسئله می‌تواند فرد را برای بهتر شدن ترغیب کند. (راستاد، ۱۳۸۷: ۱۹)
- به نظر می‌رسد که اشتغال زنان در خارج از خانه از چند بُعد حائز اهمیت است.
- ۱- باعث توسعه و پیشرفت جامعه می‌شود.
 - ۲- باعث پیشرفت و ارتقاء موقعیت خود زنان می‌شود.
 - ۳- باعث مستقل شدن و خودکفائی فرزندان نیز می‌شود.
 - ۴- باعث استقلال اقتصادی و رشد و تکامل معنوی زن می‌شود.

چهار چوب نظری تحقیق

الف- دیدگاه موافق اشتغال زنان (موافق رادیکال):

طرفداران این رویکرد، دستیابی به توسعه و نوسازی مطلوب را بدون بهره جستن از توانایی‌های عظیم زنان و دختران (به عنوان نیمی از جمعیت جامعه) غیر ممکن می‌دانند، آنان استدلال می‌کنند که فعالیتهای سیاسی، اقتصادی موجب رشد فکری، فرهنگی و ارتقاء سطح آگاهی‌های اجتماعی زنان می‌گردد. اگر زنان اجتماعی شوند، می‌توانند فرزندان بهتری تربیت کنند و به جامعه تحویل دهند. (ناجی راد، ۱۳۸۲: ۱۶۹) متغیر اخذ شده از این دیدگاه عبارت است از: اجتماعی شدن و جامعه پذیری فرزندان مادران شاغل و مادران خانه دار.

افلاطون معتقد بود: که همه افراد اعم از زن و مرد دارای استعداد و توانایی‌های مشابهی هستند یعنی زن و مرد از لحاظ کیفی با یکدیگر مشابه هستند. (سفیری، ۱۳۷۷: ۸۴) متغیر اخذ شده از این نظریه عبارت است از: توانایی یادگیری فرزندان مادران شاغل و مادران خانه دار.

ب- دیدگاه موافق اشتغال زنان (موافق مشروط)

این دیدگاه معتقد است که زن باید در تمام فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شرکت کند تا خود را آگاه ساخته و سپس این آگاهی را به فرزندان خود منتقل کند. منتها این دیدگاه مشارکت زنان را مشروط بر آن می‌داند که مقام مادری، استحکام خانه و خانواده تحت شعاع قرار نگیرد (ناجی راد، ۱۳۸۲: ۱۷۲) متغیر اخذ شده از این دیدگاه عبارت است از پیشرفت تحصیلی مادران شاغل و مادران خانه دار.

مارگارت مید:

بی همتا ترین چیز برای مادر تربیت کردن فرزندانش است (مهدوی، ۱۳۷۵: ۳۷)

ج- دیدگاه مخالف اشتغال زنان

این دیدگاه اشتغال زن خارج از منزل را رد می کند چون باعث سست شدن بنیان خانواده می شود. (ناجی راد، ۱۳۶۳: ۱۷۴)

شلسکی:

وی معتقد است که با کار کردن زن بیرون از خانه امنیت و موجودیت خانواده به خطر افتاده و از این طریق تربیت فرزندان نیز در محیطی سالم و سرشار از اعتماد و مراقبت در معرض مخاطره قرار می گیرد. (هایدی، ۱۳۶۳: ۳۳) متغیر اخذ شده از این دیدگاهها عبارت است از بهداشت روانی فرزندان مادران شاغل و مادران خانه دار.

گی روشه:

وی معتقد است که کار کردن باید از اوایل دوران کودکی به کودک تلقین شود تا از همان ابتدا روی پای خود بایستد. (ربانی و انصاری، ۱۳۸۴: ۱۴).

پروفیسورهاروی:

وی معتقد است که مادران شاغل بهترین مدل برای فرزندانشان هستند، زیرا وقتی فرزندان می بینند که مادرشان هدفهای زندگی اش را با پشتکار دنبال می کند باعث می شود که در آنها هم انگیزه و هم پویایی در شخصیتشان رشد یابد. البته منظورهاروی این نیست که زن فرزندانش را به امید خود رها کند، بلکه در کنار رسیدگی صحیح به فرزندانش در جامعه حضوری فعال داشته باشد. (توکل، ۱۳۸۳: ۳) متغیر اخذ شده از این دیدگاهها عبارت است از خودکفایی و استقلال فرزندان مادران شاغل و مادران خانه دار.

د- دیدگاه بوم شناختی:

طرفداران این دیدگاه معتقدند که تقویت مهارتهای اجتماعی مستلزم چند عامل است: ملاک اول وجود اهداف مشخص و عینی برای دانش آموزان در جهت رفتارهای مناسب اجتماعی است. ملاک دوم نحوه دستیابی به این اهداف است. ملاک سوم دستیابی به اهداف باید از طریق چه روشهایی صورت گیرد که پیامدهای مثبتی در سایر حیطه های عمل دانش

آموزان فراهم کند. مثلاً افزایش اعتماد به نفس، مهارت‌های رشد را تقویت می‌کند. (طایی، ۱۳۸۵: ۳۵) متغیر اخذ شده از این دیدگاه عبارت است از مهارت‌های اجتماعی فرزندان مادران شاغل و مادران خانه دار.

پیامدهای اشتغال زنان:

پیامدهای مثبت

- ۱- کاهش نرخ رشد جمعیت به لحاظ آگاهی‌های فردی و اجتماعی زنان و محدود شدن تعداد فرزندان که منجر به افزایش سطح خدمات آموزشی، اقتصادی و تربیتی خانواده به فرزندان خواهد شد.
- ۲- افزایش آگاهی و بینش اجتماعی و نهایتاً ایجاد روحیه اعتماد به نفس و استقلال فکری و روحی در زنان
- ۳- شکوفایی استعداد و ابراز وجود به صورت مثبت، داشتن خود پنداری مثبت، رشد و پرورش شخصیت و رفع نیازهای روانی.
- ۴- کمک به جبران بخشی از هزینه‌های زندگی و تأثیر آن بر ارتقاء سطح بهداشت، آموزش و استحکام یافتن خانواده از طریق تأمین نیازهای ضروری.
- ۵- تقویت روحیه مقاومت و اتکاء به خود در بین بچه‌ها و آماده سازی آنها برای جامعه و زندگی آینده خودشان.
- ۶- ارتقای پایگاه حقوقی و حفظ منزلت زن به نحو قابل توجه.
- ۷- تقویت روحیه قناعت و پرهیز از تجمل گرایی، پوچ گرایی و اعمال فرهنگ قناعت و صرفه جویی.
- ۸- ارتقای آگاهی نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی، سیاسی جامعه و ایجاد روحیه مشارکت جدی در رفع آنها در سطح خانواده و اجتماع.
- ۹- آشنایی بیشتر با روشهای ارتقای بهره‌وری از امکانات مادی و معنوی خانواده و جامعه و نیز تلاش در جهت افزایش بهره‌وری.
- ۱۰- توانمند شدن زنان در کمک به حل مشکلات آموزشی، اخلاقی و تربیت فرزندان.

- ۱۱- ارتقای توان مدیریت و ایجاد زمینه جهت اعمال آن در خانواده در تصمیم‌گیری‌های اساسی خانواده.
- ۱۲- کمک به رشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی کشور از طریق تخصص و مهارت‌های زنان.
- ۱۳- استفاده از اوقات فراغت و جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی.
- ۱۴- تأمین اجتماعی زنان در مواقع بروز بحران‌های مختلف در سنین پیری، بیماری و از کار افتادگی. (زندى، ۱۳۷۷، بانوان شاغل؛ www.mr-zanan.ir)

پیامدهای منفی

- ۱- مشاغل تمام وقت و طولانی، فرصت ارتباط مادر را با اعضای خانواده کاهش داده، در سنین کودکی که فرزندان نیازمند ارتباط‌های کلامی و حسی می‌باشند باعث بروز محرومیت‌های عاطفی و سوء تغذیه روانی می‌گردد، مگر آنکه این نقیصه را از طریق سازمان‌های مکمل، نظیر مهدکودک‌های نزدیک به محل کار و یا از طریق بستگان نزدیک نظیر مادر بزرگها بتوان جبران نمود.
 - ۲- گسترش اختلافات خانوادگی در صورت فقدان هماهنگی لازم بین زن و مرد و ایجاد عدم تعادل میان نوع شغل و مسئولیت‌های مادری و همسری.
 - ۳- خستگی جسمی و روحی زنان شاغل بواسطه تلاش مضاعف آنان برای برآورده کردن انتظارات خانوادگی و اجتماعی.
 - ۴- موضع‌گیری و حساس شدن زوجین نسبت به یکدیگر در منزل به علت فرو خوردن خشم ناشی از تبعات کار بیرون از منزل و کاهش توان و ظرفیت روحی و جسمی آنان.
 - ۵- انعطاف‌پذیری اشتغال زن، عدم درک متقابل زن و مرد نسبت به حدود وظایف و مسئولیت‌های یکدیگر، عدم روحیه تعاون و مسوولیت‌پذیری در انجام امور و فقدان سازمان‌های زیربنایی و مکمل که بتوانند جانشین مادر شوند، کم ارزش قائل شدن برای نقش خطیر خانه‌داری و تربیت فرزندان و عدم توانایی زن در انجام توأم کار بیرون و داخل خانه از جمله عواملی است که باید با برنامه‌ریزی دقیق از بروز عوارض ناشی از آن جلوگیری نمود.
- (زندى، ۱۳۷۷، بانوان شاغل؛ www.mr-zanan.ir)

روش تحقیق:

این تحقیق به صورت پیمایشی انجام شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه می‌باشد. که در آن از سؤالات باز و بسته استفاده شده است، پرسشنامه میان فرزندان مادران شاغل و غیر شاغل توزیع و جمع‌آوری شده است. جامعه آماری در این پژوهش ۶۱۵۰۰ نفر می‌باشد که شامل تمامی دانش آموزان دختر و پسر در پایه اول، دوم و سوم راهنمایی در نواحی پنجگانه شهر اصفهان است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین گردید. روش نمونه‌گیری این پژوهش، خوشه‌ای است که از مقطع اول، دوم و سوم راهنمایی در نواحی پنجگانه شهر اصفهان انتخاب شده و بر اساس روش تصادفی نمونه‌گیری انجام شده است.

تحلیل استنباطی داده‌ها

برای آزمون فرضیه‌های اصلی تحقیق از آزمون t مستقل استفاده شده است که نتایج آن در جداول زیر آورده شده است.

فرضیه اول: بین اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری) فرزندان مادران شاغل و خانه‌دار تفاوت وجود دارد.

جدول ۱- خلاصه نتایج آزمون t مستقل اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری) فرزندان مادران شاغل و خانه‌دار

Sig.	df	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	وضعیت اشتغال	فرضیه ۱
۰/۰۱۸	۲۶۶	۲/۳۸۸	۳/۵۲	۲۱/۷۵	۱۳۲	مادران شاغل	اجتماعی شدن
			۳/۶۸	۲۰/۷۰	۱۳۶	مادران خانه‌دار	

جدول فوق نشان می‌دهد که بین اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری) فرزندان مادران شاغل و خانه‌دار تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد فرزندان مادران شاغل جامعه‌پذیری بیشتری دارند در نتیجه این فرضیه اثبات شد. فرضیه دوم: بین توانایی یادگیری فرزندان مادران شاغل و خانه‌دار تفاوت وجود دارد.

جدول ۲- خلاصه نتایج آزمون t مستقل توانایی یادگیری فرزندان مادران شاغل و خانه دار

Sig.	df	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	وضعیت اشتغال	فرضیه ۲
۰/۳۵۷	۲۸۸	-۰/۹۲۲	۱/۳۰	۵/۴۳	۱۴۲	مادران شاغل	توانایی یادگیری
			۱/۱۱	۵/۵۶	۱۴۸	مادران خانه دار	

جدول فوق نشان می‌دهد که بین توانایی یادگیری فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت معناداری در سطح ۰/۳ وجود ندارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که فرزندان مادران شاغل و خانه دار توانایی یادگیری یکسانی دارند در نتیجه این فرضیه اثبات نشد. فرضیه سوم: بین پیشرفت تحصیلی فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت وجود دارد.

جدول ۳- خلاصه نتایج آزمون t مستقل پیشرفت تحصیلی فرزندان مادران شاغل و خانه دار

Sig.	df	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	وضعیت اشتغال	فرضیه ۳
۰/۰۰۳	۲۸۵	۲/۹۹۹	۱/۱۱	۸/۵۶	۱۳۷	مادران شاغل	پیشرفت تحصیلی
			۱/۵۸	۸/۰۷	۱۵۰	مادران خانه دار	

جدول فوق نشان می‌دهد که بین پیشرفت تحصیلی فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۰۳ وجود دارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد فرزندان مادران شاغل پیشرفت تحصیلی بیشتری دارند در نتیجه این فرضیه اثبات شد. فرضیه چهارم: بین بهداشت روانی فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت وجود دارد.

جدول ۴- خلاصه نتایج آزمون t مستقل بهداشت روانی فرزندان مادران شاغل و خانه‌دار

Sig.	df	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	وضعیت اشتغال	فرضیه ۴
۰/۰۳۸	۲۸۵	-۲/۰۹۰	۲/۴۳	۱۷/۵۱	۱۳۴	مادران شاغل	بهداشت روانی
			۲/۲۳	۱۸/۰۹	۱۵۳	مادران خانه دار	

جدول فوق نشان می‌دهد که بین بهداشت روانی فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۳ وجود دارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد فرزندان مادران خانه دار بهداشت روانی بیشتری دارند در نتیجه این فرضیه اثبات شد. فرضیه پنجم: بین مستقل شدن فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت وجود دارد.

جدول ۵- خلاصه نتایج آزمون t مستقل شدن فرزندان مادران شاغل و خانه دار

Sig.	df	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	وضعیت اشتغال	فرضیه ۵
۰/۰۰۱	۳۱۲	۸/۶۹۳	۲/۱۰	۱۵/۸۵	۱۵۶	مادران شاغل	مستقل شدن
			۱/۷۱	۱۳/۹۷	۱۵۸	مادران خانه دار	

جدول بالا نشان می‌دهد که بین مستقل شدن و خود کفایی فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۰۰۱ وجود دارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد فرزندان مادران شاغل مستقل شدن و خود کفایی بیشتری دارند در نتیجه این فرضیه اثبات شد. فرضیه ششم: بین مهارت‌های اجتماعی فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت وجود دارد.

جدول ۶- خلاصه نتایج آزمون t مستقل مهارت‌های اجتماعی فرزندان مادران شاغل و خانه دار

Sig.	df	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	وضعیت اشتغال	فرضیه ۶
۰/۰۰۲	۳۱۷	۳/۱۳۹	۰/۹۲	۲/۸۵	۱۵۷	مادران شاغل	مهارت اجتماعی
			۱/۱۷	۲/۴۸	۱۶۲	مادران خانه دار	

جدول فوق نشان می‌دهد که بین مهارت‌های اجتماعی فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۰۲ وجود دارد این فرضیه اثبات شد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد فرزندان مادران شاغل مهارت‌های اجتماعی بیشتری دارند. برای بررسی تاثیر متغیرهای جنس، سن، تحصیلات مادر، شغل مادر، سابقه کار مادر، دلیل اشتغال مادر، میزان اشتغال به کار روزانه مادر، موافقت با اشتغال مادر و انتظار از مادر شاغل از آزمون‌های t و F استفاده شده است.

بحث و نتیجه گیری:

تحقیق حاضر به منظور بررسی و مقایسه ویژگی‌های اجتماعی و تربیتی فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران خانه دار در پایه اول تا سوم راهنمایی در سطح شهر اصفهان انجام شده است. به همین منظور از میان کل جامعه آماری بالغ بر ۶۱۵۰۰ نفر یک نمونه ۳۱۹ نفری بر اساس فرمول کوکران از فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران خانه دار انتخاب گردید و داده‌های مربوط به فرضیه‌های تحقیق از طریق پرسشنامه محقق ساخته، جمع آوری گردید.

نتایج توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که ۴۹/۲ درصد مادران شاغل و ۵۰/۸ درصد مادران خانه دار می‌باشند و ۴۱/۴ درصد مادران شاغل دارای فرزند دختر و ۵۱/۹ درصد مادران خانه دار دارای فرزند دختر، ۵۷/۳ درصد مادران شاغل دارای فرزند پسر و ۴۶/۹ درصد مادران خانه دار دارای فرزند پسر هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ۲۶ درصد از مادران دارای شغل معلمی، ۳/۴ درصد کارمند، ۱/۹ درصد پرستار، ۱/۹ درصد پزشک، ۱/۶ درصد فروشنده، ۱/۶

درصد مهندس یا مدیر، ۰/۹ درصد کارگر و ۱۸/۸ درصد در سایر مشاغل مشغول به کار است.

نتایج آمار استنباطی

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین اجتماعی شدن فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران خانه دار تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. طبق آمارهای به دست آمده اجتماعی شدن فرزندان مادران شاغل به مراتب بیشتر از فرزندان مادران خانه دار است. طرفداران دیدگاه موافق رادیکال معتقدند که فعالیتهای سیاسی، اقتصادی موجب رشد فکری، فرهنگی و ارتقاء سطح آگاهیهای اجتماعی زنان می‌گردد. اگر زنان اجتماعی شوند، می‌توانند فرزندان بهتری تربیت کنند و به جامعه تحویل دهند. ما از این نظریه استفاده کردیم. نتایج تحلیل مربوط به فرضیه اول نشان می‌دهد که اجتماعی شدن فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت دارد. بدین معنا که فرزندان مادران شاغل جامعه پذیری بیشتری دارند. شاخص‌های اجتماعی شدن از قبیل علاقمندی به گذراندن اوقات فراغت با خانواده، دوستان و لذت از سرگرمی فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت دارد. فرزندان مادران شاغل علاقمندی بیشتری به گذراندن اوقات فراغت با خانواده، دوستان و لذت از سرگرمی دارند ولی شاخص‌های نوع سرگرمی، علاقمندی به شرکت در مهمانی‌های خانوادگی، علاقمندی به گردش و تفریح با دوستان و شخصیت در جمع دوستان فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوتی ندارد.

فرضیه دوم: بین توانایی یادگیری فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران خانه دار تفاوت معناداری در سطح ۰/۳۵ وجود ندارد. طبق آمارهای به دست آمده توانایی یادگیری بین فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران خانه دار یکسان می‌باشد. طبق دیدگاه افلاطون همه افراد اعم از زن و مرد دارای استعدادها و تواناییهای یکسانی هستند این نظریه را ما می‌توانیم به فرزندان مادران شاغل و خانه دار اعم از دختر و پسر تعمیم بدهیم. ما از این نظریه استفاده کردیم.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین پیشرفت تحصیلی فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۰۳ وجود دارد. طبق آمارهای به دست آمده پیشرفت تحصیلی فرزندان مادران شاغل به مراتب بیشتر از فرزندان مادران خانه دار است. دیدگاه موافق مشروط بر عواملی

در خصوص زنان تاکید می‌ورزد.

الف) زن باید همگام با مرد کار کند تا اقتصاد کشور توسعه یابد.

ب) مسئول اصلی تربیت فرزندان زن است. زیرا که خداوند این ودیعه گران بها را به زنان اعطا کرده است.

ج) زن بهتر است در تمام کارهای سیاسی اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی شرکت کند تا خود را آگاه ساخته و سپس این آگاهی را به فرزندان خود منتقل کند تا فرزندان نیز به پیشرفت دست پیدا کنند. ما از این دیدگاه استفاده کردیم نتایج تحلیل شاخص‌های پیشرفت تحصیلی نشان می‌دهد که شاخص‌های آشنایی با مهارت‌های علمی و معدل فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت معناداری دارد. فرزندان مادران شاغل مهارت‌های علمی و معدل بیشتری دارند.

فرضیه چهارم: بین بهداشت روانی فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۳ وجود دارد. آمارهای به دست آمده نشان می‌دهد که بهداشت روانی فرزندان مادران شاغل به مراتب بیشتر از بهداشت روانی فرزندان مادران شاغل است. مارگارت مید بیان میکند که بی‌همتا ترین چیز برای مادر این است که مسئول فرزندش باشد و در تربیت کردن آنها کوشا باشد. همچنین دیدگاه مخالف اشتغال زنان، معتقد است که اشتغال زن خارج از خانه باعث می‌شود بنیان خانواده سست و نابود شود در نتیجه در تربیت درست و بهداشت روانی و روحی و روانی فرزندان اثر می‌گذارد. ما از این نظریه و دیدگاه استفاده کردیم.

فرضیه پنجم: بین مستقل شدن و خود کفایی فرزندان مادران شاغل و فرزندان مادران شاغل تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۰۱ وجود دارد. طبق آمارهای به دست آمده فرزندان مادران شاغل نسبت به فرزندان مادران شاغل زودتر مستقل و خودکفا می‌شوند.

گی‌روشه معتقد است که اولین وظیفه برای انسان کار است. کار به منزله مشارکت لازم و مثبت انسان در تجلی عظمت و جلال خداوند تلقی می‌گردد؛ منتها فقط کافی نیست که کاری انجام گیرد، بلکه کار باید خوب و بویژه در راه هدفهای مفید و مولد انجام گیرد. از طرف دیگر کار باید به صورت پیوسته و دائم باشد. بنابراین بایستی از اوان کودکی مفهوم کار را به کودک تلقین نمود. همچنین پرفسورهاروی معتقد است که مادران شاغل بهترین مدل برای

فرزندانشان هستند. زیرا وقتی فرزندان می بینند که مادرشان هدفهای زندگی اش را با پشتکار دنبال می کند باعث می شود که آنها نیز انگیزه و پویایی در شخصیتشان رشد یابد ما از این نظریات استفاده کردیم. نتایج تحلیل فرضیه پنجم نشان می دهد که فرزندان مادران شاغل در شاخص های یاری و کمک به والدین، همراهی والدین برای خرید احتیاجات، مشارکت در برنامه ریزی های خانواده و عکس العمل پدر و مادر به پیشنهادات و نظریات مستقل شدن و خودکفایی وضعیت بهتری دارند.

فرضیه ششم: بین مهارت های اجتماعی فرزندان مادران شاغل و خانه دار تفاوت معنا داری در سطح ۰/۰۲ وجود دارد. طبق آمارهای به دست آمده مهارت های اجتماعی فرزندان مادران شاغل بیشتر از فرزندان مادران خانه دار است.

طرفداران دیدگاه بوم شناختی ملاک های متعددی را برای تعریف مهارت اجتماعی مطرح کرده اند.

ملاک اول: وجود اهداف مشخص و عینی برای دانش آموزان در جهت رفتارهای مناسب اجتماعی.

ملاک دوم: نحوه دستیابی به اهداف
ملاک سوم: دستیابی به اهداف باید از چه روشهایی باشد که پیامدهای مثبتی در حیطه عمل دانش آموزان داشته باشد. ما از این نظریه استفاده کردیم.

بر اساس مطالب نظری و بررسی دیدگاه ها و نظریات مربوطه، همچنین نتایج آماری به دست آمده می توان اظهار کرد که: وظیفه اصلی زنان ایفای نقش مادری و تربیت فرزندان به منظور تداوم حیات بشری است و در نتیجه زندگی و حیات بشری به مادران پیوند داده می شود همچنین نقش مادری در تربیت فرزندان به مراتب بیشتر و مهمتر از پدر است. یعنی این که زن نقش محوری در تربیت فرزندان دارد. واقعیت این است که فرزندان، صرف نظر از دختر یا پسر بودن حداقل تا دوره نوجوانی به شدت نیازمند نگاه محبت آمیز والدین، مخصوصاً مادر هستند. از طرفی مادرائی که در منزل فرزندان را بزرگ می کنند بخش بسیار زیادی از نیازهای روحی و عاطفی (بهداشت روانی) کودکان و نوجوانان خود را برطرف می کنند.

پس می توان نتیجه گرفت که ساخت و عملکرد خانواده و اشتغال مادر یکی از مهمترین

عوامل تأثیرگذار بر رشد و تحول روان شناختی کودکان است. بسیاری از مشکلات فرزندان از خانواده‌های آنها نشأت می‌گیرد و اغلب سطح سازش عاطفی و بهداشت روانی فرزندان بخصوص فرزندان که در مقطع راهنمایی هستند و از ساخت خانواده سالم برخوردار هستند به طور معناداری بالاتر از سطح سازش عاطفی و اجتماعی فرزندان است که عدم هماهنگی و رسیدگی مادران و خانواده در آنها موجود است. بی‌مجبئی والدین نسبت به فرزندان، باعث فرور ریختن ساخت خانواده می‌شود و فرزندان را با مشکل مواجه می‌سازد البته حمایت بیش از حد کودک توسط خانواده سبب عدم بلوغ عاطفی کودک می‌شود.

منابع

- ۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۲۰.
- ۲- آزادارمکی، تقی، ۱۳۸۶، جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سمت.
- ۳- امیرحسینی، خسرو، ۱۳۸۲، خانواده خوشبخت فرزند موفق، تهران، عارف کامل.
- ۴- اعرابی، فاطمه، ۱۳۸۴، تأثیر بی‌سوادی مادران در تربیت فرزندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (علوم اجتماعی) دانشگاه آزاد خوراسگان.
- ۵- اعزازی، شهلا، ۱۳۸۵، مجموعه مقالات فمینیسم و دیدگاه‌ها، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- ۶- اعزازی، شهلا، ۱۳۸۵، مجموعه مقالات فمینیسم و دیدگاه‌ها، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- ۷- دوست محمدی، هادی، ۱۳۸۰، شخصیت زن از دیدگاه قرآن، تهران، سپهر.
- ۸- سفیری، خدیجه، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی اشتغال زنان، تهران، تیان.
- ۹- قائمی، علی، ۱۳۷۸، کودک و خانواده نابسامان، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی.
- ۱۰- قائمی، علی، ۱۳۷۱، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۱- توکلی، یگانه، ۱۳۸۲، مادران شاغل عشق و پویایی را با هم دارند، جام جم، شماره ۸.

۱۲- راستاد، مرجانه، ۱۳۸۷، استرس در زنان شاغل، زن روز، شماره ۲۱۵.

۱۳- زندی، مجید، ۱۳۷۷، بانوان شاغل^۰ مادران نیمه وقت، جمهوری اسلامی، شماره ۱۷.

۱۴- مسعودیان، صدیقه، ۱۳۸۶، دغدغه زنان شاغل در ایفای نقش‌های گوناگون، معلم، شماره

دوم.

۱۵- (زندی، مجید، ۱۳۷۷، بانوان شاغل؛ www.mr-zanan.ir)





شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی